

*Two seasons of a promotion,
The Quran and Science studies*

*Vol.2, No. 3,
Spring & Summer 2018*

P 47 - 61

دو فصل نامه علمی-تخصصی

مطالعات قرآن و علوم

س ۲ ش ۳ بهار و تابستان ۱۳۹۷

صفحات ۴۷ تا ۶۱

آسیب‌های بینشی پیشرفت از منظر قرآن کریم

سید عیسی مسترحمی* اکرم سادات فاطمی*

چکیده

رشد و پیشرفت از جمله مفاهیمی است که انسان همواره به دنبال آن است و می‌کوشد تا خویش را در مسیر آن قرار داده و از آن منحرف نگردد. بشر برای زندگی دنیوی و اخرویش اهدافی را تعیین و به سوی آن‌ها حرکت می‌کند. اگر اهداف به‌درستی تعیین و راه صحیح برای رسیدن به آن انتخاب گردد، و از آسیب‌های این مسیر به‌طور کامل اطلاع حاصل شود، می‌تواند انسان را در مسیر پیشرفت قرار داده و او را به اهداف مورد نظرش برساند. قرآن کریم به‌عنوان کتاب هدایت پس از ترسیم کردن اهداف دنیوی و اخروی انسان، به بیان لوازم رسیدن به این اهداف پرداخته است. در نگاه قرآن کریم، از جمله بایسته‌هایی که رسیدن به اهداف را میسر می‌سازد، شناخت کامل از آسیب‌ها است؛ شناختی که با دانستن چگونگی رفع و دفع آن همراه باشد. آسیب‌های بینشی، مهم‌ترین آسیب‌های پیشرفت هستند که قرآن بر لزوم شناخت آن تأکید نموده و راه‌های مبارزه با آن را نیز در آیات فراوانی مطرح کرده است. در منطق قرآن، ظاهر نگری، خرافه‌پرستی، تحجر، تعصب، و استبداد، از جمله مهم‌ترین آسیب‌های بینشی پیشرفت به شمار می‌آید. این کتاب آسمانی به نقش عوامل معنوی در پیشرفت اشاره

*. استاد یار جامعه المصطفی العالمیه: dr.mostarhami@chmail.ir

*. دانش آموخته کارشناسی ارشد، دانشگاه مجازی المصطفی: a. s. fatemi@chmail. ir

کرده و نگرش پوزیتویستی به جهان هستی و عوامل دخیل در رخداد‌های آن را آسیبی جدی در مسیر پیشرفت می‌داند. خداوند متعال با بیان برخی سختی‌ها و مشکلات در مسیر پیشرفت، به نقش مخرب خرافات و تعصبات بی‌مورد توجه داده است و انسان‌ها را از ناامیدی و یاس پس از برخورد با مشکلات و شکست، بر حذر می‌دارد.

واژگان کلیدی: قرآن، پیشرفت، رشد، آسیب‌های بینشی.

مقدمه

علی‌رغم وجود پتانسیل‌های بسیاری که در آموزه‌های دینی اسلام برای رشد و پیشرفت وجود دارد، پیشرفت و توسعه در مفهوم اسلامی آن، همواره در معرض آسیب‌های جدی قرار دارد که می‌تواند مانع پیشرفت گشته و یا رسیدن به اهداف پیشرفت را سخت و یا حتی غیر ممکن سازد. شناخت و درک این آسیب‌ها و تلاش برای آسیب‌زدایی، از جمله بایسته‌هایی است که باید در مسیر پیشرفت مورد توجه ویژه قرار گیرد.

قرآن کریم و روایات معصومان (ع) به صورت گسترده‌ای به این مسئله پرداخته است و ضرورت توجه به آن را به انسان‌ها گوشزد کرده‌اند.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- آسیب‌شناسی

کتاب لغت، «آسیب» را به معنای «آفت، بیماری، نقص، اختلال و خطر» دانسته. (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱/ ۱۴۴؛ معین، ۱۳۷۵: ۱/ ۵۸) و آسیب‌شناسی را به شناخت درد و رنج و خسارت معنا نموده‌اند» (عمید، ۱۳۹۰: ۱/ ۴۴). برگردان عربی «آسیب» کلمه آفت است که همان عامل تباه کننده‌ای است که به چیزی برخورد می‌کند. (فراهیدی، ۱۴۱۰:

آسیب در اصطلاح هم به آن دسته از علل و اختلالاتی اطلاق می‌شود که وجودشان تداوم و حرکت پدیده‌ای را تهدید می‌کند و آن را از رسیدن به اهداف و آرمانش باز می‌دارد و یا از کارایی لازم می‌اندازد. به بیان برخی نویسندگان: «منظور از آسیب، عاملی است که سبب اختلال و ناهنجاری‌ها و آفت در پدیده‌ها می‌شود و گاهی به خود اختلالات، آسیب گفته می‌شود» (حاجی، ۱۳۸۱: ۴/۴۳۳).

در زبان فارسی آسیب‌شناسی معادل واژه انگلیسی Pathology است، که از ریشه یونانی patho به معنی رنج، محنت، احساسات گرفته شده است. (هورنبی، فرهنگ آکسفورد، ۱۹۸۹: ۲۰۰). در اصل به معنای مطالعه آسیب‌ها (آسیب = Patho و مطالعه = Logos) است و شامل بررسی علت زمینه‌ای بیماری‌ها (سبب‌شناسی) و نیز اتفاقاتی است که منجر به ایجاد علائم و نشانه‌های بیماری می‌شود؛ از این رو، آسیب‌شناسی پژوهش‌ها و مطالعاتی برای شناخت آسیب‌ها، علل بروز آن‌ها به علاوه نظریاتی برای حل آنهاست. (برای نمونه رک به: رایینز، آسیب‌شناسی پایه) از این رو می‌توان گفت: آسیب‌شناسی ناظر به کارکردهاست و جایی معنا پیدا می‌کند که با اختلال در کارکرد روبه رو باشیم؛ چه اختلال از نوع بد کارکردن [Misfunction] باشد و چه از نوع کارنکردن. [dysfunction]

۲-۱- پیشرفت و توسعه

واژه پیشرفت واژه‌ای فارسی و مرکب از دو واژه پیش و رفت است. این واژه به معنای ترقی، رشد و به‌سوی جلو رفتن، به کار می‌رود (معین، ۱۳۷۵: ۲/۴۳۲) معادل این واژه در زبان انگلیسی، واژه progress است. از جمله واژگان همسو با پیشرفت را می‌توان، توسعه و رشد دانست که در زبان عربی نیز کاربرد دارد.

واژه توسعه از ماده «وسع» است. این ماده در اصل به معنای گسترده شدن و جادار نمودن (راغب، ۱۴۲۶: ۸۷۱)؛ مصطفوی، ۱۴۰۲: ۱۳/۱۰۳) توانایی و طاقت (جوهری، ۱۴۰۴: ۳/۱۲۹۸) است. صاحب تفسیر مجمع‌البیان درباره مصدر باب افعال از این ماده

می‌نویسد: «ایساع، فرونی و گسترش دادن چیزی در جهات مختلف است» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/۲۶۷).

توسعه که معادل انگلیسی این واژه: development است، از جمله اصطلاحاتی است که در دامن دانش اقتصاد متولد شده و تطور یافت. سالیانی دراز، توسعه اقتصادی به‌عنوان تنها سنجه و معیار توسعه‌یافتگی شمرده می‌شد. این انحصار، پیامدهای منفی ناگواری را به همراه داشت که باعث بازنگری در این معیارها شد و فراگیر شدن توسعه در توسعه انسانی، فرهنگی، سیاسی و ... که تمام جوانب حیات بشری را به صورتی هماهنگ در بر می‌گیرد، مورد پذیرش و اذعان صاحب نظران قرار گرفت. با توجه به پیشینه به نظر می‌رسد امروزه بتوان برای مفهوم اصلاح شده توسعه، واژه پیشرفت را به کار برد. توسعه و پیشرفت در معنای جامع، فرایند پیچیده‌ای است که رشد کمی و کیفی تولیدات و خدمات و تحول کیفیت زندگی و بافت اجتماعی جامعه و تعدیل درآمدها و زدودن فقر و محرومیت و بیکاری و تأمین رفاه همگانی و رشد علمی و تکنولوژی درون‌زا در یک جامعه معین را در بر می‌گیرد. (گلایبی، ۱۳۶۸: ۲). در زبان عربی برای بازگو کردن این مفهوم، از واژه تنمیه و در برخی موارد از واژگان توسع و تطور بهره برده می‌شود.

۲- آسیب‌های بینشی پیشرفت از منظر قرآن

قرآن کریم برای زندگی دنیوی و اخروی انسان اهدافی را ترسیم و مسیر و توشه لازم این سفر را به‌طور کامل بیان کرده است. به تصریح قرآن کریم در این مسیر، آسیب‌های گوناگونی وجود دارد که بی‌اطلاعی از آنها و یا ناآگاهی از شیوه دفع و رفع آنها، به انحراف مسیر و دوری از هدف منجر می‌شود. این آسیب‌ها در ضمن داستان‌ها، تمثیلات و توصیه‌های قرآنی بسان شده است. در ادامه به چند آسیب از مهم‌ترین آسیب‌ها اشاره می‌کنیم.

۲-۱- جمود و تحجر

واژه‌های جمود و تحجر در معانی متعددی کاربرد دارند که از آن جمله می‌توان به ایستایی، تحول ناپذیری و برنتابیدن فرهنگ و ارزش‌های حقیقی و متعالی اشاره کرد که بیشتر در حوزه اندیشه و تفکر رخ می‌دهد. قرآن کریم با تعبیر مختلفی همچون «باقی ماندن بر حکم جاهلیت» (مائده/۵۰) از این صفت یاد می‌کند و آن را مانعی برای شناخت حقیقت و به تبع دوری از دست‌یابی به پیشرفت به حساب می‌آورد.

تحجر علت عدم پذیرش حق و گرایش به کمال و سعادت واقعی است و آسیبی جدی در شکوفایی اندیشه دینی و ایجاد تعامل مثبت نظری و عملی با حقیقت، معرفت، حکمت، حکومت، مدیریت و سیاست و حتی معیشت است. متحجران از اسلام جز آموزه‌های بسته، رسوب یافته و انعطاف‌ناپذیر در برخورد با اقتضائات زمان و مکان و تغییر موضوع و محمول‌ها ندارند و هرگز پذیرای فقر و اندیشه و عمل خویش و بازشناسی و بازنگری فکر و فعل به‌ظاهر اسلامی خود نیستند و همواره راکد و تحول ناپذیرند. جمود بر برخی قالب‌های دینی و فراموش کردن اساس و روح حاکم بر احکام دینی، زمینه بهره‌گیری از دین به‌عنوان منبعی برای ارائه راهکارهای پیشرفت را سلب می‌کند. نمونه‌هایی از این نوع تحجر را می‌توان در مخالفت کفار با نوآوری‌های پیامبران مشاهده کرد. (ص/۷) ناگفته نماند که بدیهی است که برخی قالب‌ها برای دورانی خاص پاسخ‌گو هستند و نمی‌توان آن‌ها را برای تمام دوران تجویز کرد؛ در حالی که پویایی اسلام اقتضا دارد در هر زمان پاسخ‌گو به نیازهای بشر باشد.

۲-۲- نگرش مادی گرایانه به عوامل و موانع پیشرفت

در نگاه قرآن کریم، عوامل، زمینه‌ها و نتایج پیشرفت منحصر در امور مادی نیست؛ بلکه نیاز به زمینه‌ها و عوامل معنوی نیز هست، حتی این عوامل از نگاه قرآن در اولویت قرار دارند. نگرش مادی گرایانه به روند پیشرفت باعث می‌شود، این دسته از عوامل نادیده گرفته شود و به نتیجه مورد انتظار منتهی نشود. اعراض و روی‌گردانی از

یاد خدا و بی‌توجهی به حضور او در لحظه لحظه زندگی انسان، توابعی را به همراه دارد که کمترین آنها، زندگی سخت در این دنیا است. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» (طه/۱۲۴)، و هر کس از یاد من روی گرداند، پس حتماً زندگی (سخت و) تنگی برای اوست؛ و او را روز رستاخیز نابینا گرد می‌آوریم.

قرآن کریم، عمل صالح [که در برخی موارد جنبه مادی پیدا می‌کند] را به‌ضمیمه ایمان [که مسئله‌ای معنوی است]، وسیله و عاملی برای رسیدن به زندگی نیکو می‌داند و رسیدن به این هدف والا را بدون ترکیب این دو، امکان پذیر نمی‌داند: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل/۹۷)، هر کس از مرد یا زن، [کار] شایسته‌ای انجام دهد، در حالی که او مؤمن است، پس قطعاً او را به زندگانی پاکیزه‌ای زنده می‌داریم؛ و حتماً مزدشان را بر طبق بهترین چیزی که همواره انجام می‌دادند، به آنان پاداش خواهیم داد.

خداوند متعال در آیه دیگری به نقش تقوا در پیشرفت و بهبود زندگی بشر تصریح می‌کند و می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (طلاق/۲-۳)، و هر کس [خودش] را از [عذاب] خدا حفظ کند، برایش محل خارج شدن [از مشکلات] قرار می‌دهد؛ و او را از جایی که نمی‌پندارد روزی می‌دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند پس او برایش کافی است؛ در حقیقت خدا کارش را (به انجام) می‌رساند؛ که به‌یقین خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.

۲-۳- نگرش مثبت به تمام انواع ثروت‌ها

از نگاه قرآن کریم تمام ثروت‌ها را نمی‌توان نعمتی الهی دانست و آن را وسیله‌ای به نفع انسان و در مسیر پیشرفتش به حساب آورد. خداوند متعال پیامبر و مؤمنان را از اعجاب و شگفت‌زده شدن در برابر اموال کفار بر حذر می‌دارد و می‌فرماید: «فَلَا تُعْجِبْكُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ تَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَ هُمْ كَافِرُونَ»

(توبه/۵۵)، و (فرونی) اموالشان و فرزندان آنان، تو را به شگفت نیاورد؛ جز این نیست که خدا می‌خواهد به وسیله آن [ها] در زندگی پست (دنیا) عذابشان کند و جان‌هایشان بر آید در حالی که آنان کافرند. و نیز نزدیک به این مضمون توبه/۸۵ آنچه به روشنی از این آیه فهمیده می‌شود این است که ثروت همیشه نعمت نیست بلکه گاهی مایه عذاب دنیوی و باقی ماندن در غفلت است و این در صورتی است که انسان را از خدا غافل کند و صاحب آن را از انجام وظائف انسانیش باز دارد. این نوع بینش که هر ثروتی را نشانه فضیلت صاحب آن و عنایت و توجه خداوند متعال به او بداند، آسیبی جدی در مسیر پیشرفت صحیح است و باعث می‌شود شخص برای به دست آوردن ثروت، به هر روشی متوسل شود و نیز در قیاسی مع الفارق به مقایسه زندگی مادی خویش با کفار و غیر مؤمنان پردازد.

۲-۴-عجله و بی‌توجهی به گام به گام بودن پیشرفت

پیشرفت همواره با مفهوم حرکت همراه بوده است. حرکت نیز که امری تدریجی و در عین حال زمان‌مند است. روند پیشرفت که نمی‌توان برای آن انتهای تصور کرد، به اقتضای نوع و کمیت و کیفیتش در بازه زمانی خاصی رخ خواهد داد. روشن است که انتظار تحقق پیشرفت در زمانی کمتر از آن باعث شکست برنامه‌ها برای رسیدن به این هدف خواهد شد: از جمله ویژگی‌های منفی انسان که در قرآن کریم به آن تصریح شده است، عجله بودن اوست. «خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأَرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ» (انبیاء/۳۷)، انسان از عجله آفریده شده؛ بزودی نشانه‌هایم را به شما می‌نمایانم، پس [از من] شتاب م‌خواهید. انسان اگر بدون پشت سر گذاردن مراحل اولیه پیشرفت بخواهد به مراحل انتهایی پیشرفت دست یابد، گرفتار این آسیب گشته و از مسیر پیشرفت منحرف خواهد شد.

تعابیری همچون صبر (بقره/۶۱؛ ۱۵۵؛ آل عمران/ ۱۲۵؛ نحل/ ۴۲ و ۹۶؛ طه/۱۳۲) و تقدیر هر امری در زمان خاص و به میزان خاص (فرقان/۲؛ فصلت/ ۱۰؛ حجر/۲۱؛

شوری، ۲۷۹) نیز که در قرآن کریم شبکه معنایی گسترده‌ای را تشکیل داده است، به همین مسئله اشاره دارد و راهکارهای آسیب‌زدایی از پیشرفت را ارائه می‌دهند.

۲-۵- ناامیدی پس از مشکلات و شکست‌ها

رسیدن به اهداف مادی و معنوی همواره نیازمند عبور از موانع و مشکلاتی است که در مسیر وجود دارد. به تصریح قرآن کریم حرکت انسان نیز به سوی کمال و پیشرفت همیشه با سختی و مشکلات همراه است. «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (انشقاق/۶)، ای انسان! در حقیقت تو به سوی پروردگارت کاملاً تلاش می‌کنی (و رنج می‌کشی) و او را ملاقات می‌کنی. این مسئله‌ای است که در سوره انشراح تکرار شده است: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشراح/۶)، درواقع با (هر) دشواری، آسانی است. این مشکلات ممکن است به شکست منجر شود و مانع از رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده گردد. هر شکست می‌تواند به‌عنوان یک تجربه مطرح باشد و نباید مایه دلسردی و عقب‌نشینی گردد. در جامعه‌ای که افراد آن دچار منفی‌بافی و یا ناامیدی گردند دیگر مجالی برای نواندیشی و فعالیت برای حل مشکل باقی نخواهد ماند.

«وَلَئِن أَدْقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَكْفُرُ» (هود/۹)، و اگر از جانب خویش، رحمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از او برگیریم، قطعاً او بسیار ناامید [و] ناسپاس خواهد شد! و نیز در آیاتی دیگر به یاس و ناامیدی برخی انسان‌ها هنگام برخورد با مشکلات این‌گونه تصریح می‌کند. «وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَكْفُرُ» (اسراء/۸۳)، و اگر بدی به او رسد پس بسیار ناامید [و] مأیوس می‌شود. (فصلت/۴۹) به همین مضمون اسراء/۸۳).

فرد و جامعه‌ای که در صدد پیشرفت است هنگام برخورد با مشکل نباید ناامید و مأیوس شود. «وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف/۸۷)، و از [گشایش و] رحمت خدا ناامید نشوید؛ [چرا] که جز گروه کافران،

(کسی) از رحمت خدا ناامید نمی‌شود.) بلکه باید مشکل و مانع را درک کند، عوامل ایجاد کننده آن را بشناسد. برای یافتن راه‌حل‌های ممکن کوشش و با انتخاب بهترین راه‌حل، مشکل را رفع کند.

۲-۶- تعصّب نابجا

تعصّب به معنای چسبیدن و دل‌خوش ماندن به داشته‌ها و توجه نکردن و تلاش نمودن برای کسب چیزهای فراوان نداشته است. (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴، ج ۱، ص: ۶۰۳) قرآن کریم از این آسیب این‌گونه یاد می‌کند: «فَتَقَطُّوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبْرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ * فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ * أَيْحَسِبُونَ أَنَّمَا نُنَادُهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَنِينَ * نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ» (مؤمنون/۵۳)، و (گروهی) کار (دین) شان را در میان خود گسستند، دسته دسته (بدنبال کتابی رفتند؛ و) هر حزبی به آنچه نزدشان است شادمانند. پس آنان را تا مدتی در گرداب جهلشان واگذار. آیا می‌پندارند آنچه از مال و پسران، که آنان را بدان امداد می‌رسانیم. (برای این است که) به سودشان در نیکی‌ها شتاب می‌ورزیم؟ (نه) بلکه (با درک حسّی این مطلب را) متوجه نمی‌شوند.

قرآن کریم بر لزوم توجه به این آسیب در دو موقعیت حساس تأکید می‌کند. اول: زمانی که با گروهی دشمنید، تعصّب و دشمنی باعث نشود درباره آن‌ها عدالت و انصاف را فراموش کنید. «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا» (مائده/۸)، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قیام کنندگان برای خدا، [و] گواهی دهندگان به دادگری باشید؛ و البته کینه‌ورزی گروهی، شما را وا ندارد بر اینکه عدالت نکنید، عدالت کنید! که آن به (خود نگهداری و) پارسایی نزدیک‌تر است؛ و [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید، که خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. دوم: درباره‌ی حدود دوستی هم می‌فرماید: حمیت جاهلیت شما را نگیرد. «إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةً» (فتح/۲۶)، (یاد کن) هنگامی را که کسانی که کفر ورزیدند، در دل‌هایشان تعصّب خشم‌آلود (که همان) تعصّب خشم‌آلود (دوران) جاهلیت بود، قرار دادند.

۲-۷- پیش‌فرض‌ها و پیش‌داوری‌های اشتباه

پیش‌داوری‌ها و پیش‌فرض‌ها اموری هستند که شخص، آن‌ها را صحیح می‌داند. در صورتی که این پیش‌فرضها قبلاً مستدل و مستند شده باشند، می‌توان از آنها در مسیر پیشرفت بهره برد ولی اگر شخصی باشند و نتوان بر آنها دلیلی اقامه کرد، آسیبی جدی در مسیر پیشرفت به حساب می‌آیند. این پیش‌داوری‌ها در کنش و واکنش‌های اجتماعی ما پیامدهای زیادی دارد. «وَإِنِّي كَلِمًا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا» (نوح/۷)، و در حقیقت من هر گاه آنان را فراخواندم تا آنان را بیامرزی، انگشتانشان را در گوش‌هایشان قرار داده و لباس‌هایشان را بر سر می‌کشیدند و (در مخالفت) پافشاری می‌کردند و با استکبار تکبر می‌ورزیدند. معمولاً وقتی گفته می‌شود پیش‌داوری، بیشتر پیش‌داوری منفی مد نظر است. ولی آثار مخرب آن منحصر به پیش‌داوری منفی نیست. پیش‌داوری‌های مثبت و خوش‌بینی‌های نابجا که نسبت به برخی افراد و ایده‌ها و برخوردها وجود دارد نیز نتایج مخرب خود را به همراه دارد.

۲-۸- خرافه‌پرستی

خرافه‌ها عقاید باطل و بی‌اساسی هستند که دلیل و شاهدهی بر صحت آن وجود ندارد ولی در عین حال مورد قبول و اعتقاد و مبنای عمل برای برخی قرار می‌گیرد. (نوری، ۱۳۵۷: ۴۸۰)؛ پاک‌دامن، ۱۳۷۸: ۳۶) خرافات عموماً امور مبهم و مرموزی هستند که قوه خیال آن‌ها را به دلیل ترس‌ها و امیدهای بی‌مورد ابتکار می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۴۲۱) این خرافات، پذیرش حقایق و واقعیاتی که باید به عنوان اهداف و یا لوازم پیشرفت مورد توجه قرار گیرند را مشکل می‌کند. قرآن کریم از خرافات با عنوان غل و زنجیر یاد می‌کند و از مهم‌ترین اهداف رسالت را باز کردن این غل و زنجیرها از گردن انسانها می‌داند. «وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»

(اعراف/۱۵۷)، و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) بر می‌دارد.

یکی از عوامل اساسی گسترش خرافات، جهل و نادانی افراد است؛ بنابراین بهترین روش برخورد با خرافات، گسترش علم و دانش است و هر چه افراد با معارف دینی و واقعیات بیشتر آشنا شوند، کمتر به دامن خرافات می‌افتند. قرآن کریم به نمونه‌هایی از خرافات همچون فال بد زدن اشاره می‌کند و آن را از جمله آسیب‌های پیشرفت امت‌ها به حساب می‌آورد. (نمل/۴۷؛ یس/۱۸؛ اعراف/۱۳۱)

۲-۹- کج فهمی و تفسیر نادرست از معارف دینی

نگرش‌های ذهنی اموری هستند که آگاهانه یا ناآگاهانه در ما راسخ شده‌اند و ما در کنش‌ها و واکنش‌ها تحت تأثیر این نگرش‌ها هستیم که لزوماً جنبه اخلاقی هم ندارد و برای تغییر آن‌ها نباید رفتار اخلاقی ما تغییر کند. بر عکس این نگرش‌ها هستند که اخلاق و رفتار ما را به سمت سالم یا ناسالمی می‌کشند.

در متون دینی بر تفقه در دین سفارش ویژه‌ای شده و آن به‌عنوان لازمه پیشرفت معرفی شده است. در بیانات پیامبر اسلام (ص) آمده است: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَقَّهَهُ فِي الدِّينِ» (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۳۱)، هنگامی که خداوند برای بنده‌ای خیر بخواهد، او را آگاه در دین می‌گرداند. این تعبیر از امام صادق (ع) نیز روایت شده است (حر عاملی، ۱۳۹۱: ۱۶/۱۳)؛ نوری، ۱۴۰۸: ۱۱/۱۹۹). روشن است که خیری برتر و بالاتر از رشد و تکامل و پیشرفت مادی و معنوی وجود ندارد. از سوی دیگر نیز در روایات، تعبد و عمل بدون فهم مورد مذمت قرار گرفته و نوعی تکرار بدون پیشرفت معرفی شده است. «المتعبد علی غیر فقه کحمار الطاحونه یدور و لا یبرح» (متعبد بدون فهم همچون خر آسیاب است که به دور خود می‌گردد و راه به‌جایی نمی‌برد). (کاظمی، ۱۴۰۴: ۲۴۵) منشأ بسیاری از این نگرش‌های نادرست، فهم ناقص و گاهی نادرست از معارف دینی است. به‌عنوان نمونه در برخی آموزه‌های دینی از دنیا زندگی دنیوی مذمت شده و با

تعبیری همچون «مَتَاعُ الْغُرُورِ» (کالای فریبنده) (آل عمران/۱۸۵) و «لَعِبٌ وَ لَهْوٌ» (بازی و سرگرمی) (انعام/۳۲) از آن یاد شده است.

برخی به اشتباه، دنیا را معادل مادیات دانسته و از این رو سعی در به دست آوردن و گسترش آن را تخطئه می‌کنند. این کج فهمی‌ها درباره آموزه‌هایی همچون: صبر، توکل و تقدیر نیز وجود دارد که باعث شده تلاش برای تغییر وضعیت موجود و پیشرفت را با صبر و تقدیر منافی بدانند و تنبلی و سستی خویش را به‌عنوان توکل معرفی کنند. این در حالی است که صبر به معنای واکنش نشان ندادن نیست بلکه به معنای واکنش نشان دادن در بهترین موقعیت و تحمل برخی سختی‌ها در مسیر پیشرفت است. توکل به خداوند متعال و رضایت به تقدیر الهی نیز به معنای دخیل دانستن عوامل معنوی در پیشرفت است که خود، عوامل پیشرفت به شمار می‌آید.

۲-۱- ظاهر نگری و عدم توجه به واقعیات

توجه به قالب‌های ظاهری و عدم توجه به ارزش‌ها و انگیزه‌های واقعی، فریفته ظاهر شدن را به همراه دارد؛ که این مسئله، زمینه را در فرد و جامعه برای ظاهر فریبی آماده می‌کند. از جمله شیوه‌های شیطان نیز تزئین ظاهر و پوشاندن حقایق و واقعیات است. (آل عمران/۱۴) ظاهر بینی آنگاه رخ می‌دهد که معنویت و اخلاق فدای امور پست‌تر شود و اهداف متعالی جای خویش را به اهداف ابتدایی و پست بدهند. روشن است که اکتفا به مظاهر و نمودها و عدم توجه به اهداف اصلی پیشرفت باعث خروج از مسیر پیشرفت خواهد شد.

قرآن کریم با اشاره به اهداف واقعی برخی افعال و عبادات، انسان‌ها را از ظاهر نگری محض بر حذر می‌داند و آن‌ها را به روح عبادات و اهداف آن‌ها متوجه می‌سازد. هدف از قربانی در ایام حج را نه تنها جنبه مادی آن بلکه برای تقویت تقوای حجاج می‌داند. «لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤها وَ لَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ»، (حج/۳۷)، گوشت‌های آن (قربانی) ها و خون‌های آنها به خدا نمی‌رسد؛ ولیکن پارسایی (و خود نگهداری)

شما به او می‌رسد. این مسئله درباره روزه نیز تکرار شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره/۱۸۳)، ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده، همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد؛ تا پرهیزکار شوید.

نتیجه

گام برداشتن در مسیر پیشرفت و رسیدن به آن و بهره‌مندی از ثمرات و نتایجش، بدون شناخت موانع و آسیب‌های پیشرفت ممکن نیست. تأمل در آیاتی از قرآن کریم که به مسئله تعالی و رشد و پیشرفت انسان در جنبه‌های مختلف مادی و معنوی می‌پردازد، این نکته را آشکار می‌سازد که مسیر پیشرفت، همواره با آسیب‌هایی همراه است؛ آسیب‌هایی که می‌توان آن‌ها را به بینشی و رفتاری تقسیم کرد. بسیاری از آسیب‌های رفتاری، خود زائیده آسیب‌های بینشی هستند. آسیب‌هایی همچون تعصب‌های نابجا، تحجر، خرافه‌پرستی و ظاهر‌نگری، رفتارهایی را به دنبال خواهد داشت که پیمودن مسیر پیشرفت را مشکل و حتی غیرممکن خواهند کرد. قرآن کریم که نسخه شفابخش بشر برای تعالی و پیشرفت است، علاوه بر اینکه به‌طور گسترده به بیان این آسیب‌ها می‌پردازد، راهکارهای دوری و رفع این آسیب‌ها را نیز تبیین نموده است.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۴ ش)، ترجمه گروهی زیر نظر محمد علی رضایی اصفهانی، دارالذکر، چاپ دوم.
- ابن فارس، احمد (۱۴۲۰ ق)، معجم مقاییس اللغة، دارالکتب اسلامیة بیروت، چاپ سوم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، دار صادر بیروت، چاپ سوم.
- پاک‌دامن، محمدحسن، (۱۳۷۸ ش)، جامعه در قبال خرافات، مشهد، نشر مرندیز، چاپ اول.
- جوهری، اسماعیل ابن حماد (۱۴۰۴ ق)، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، دارالعلم بیروت، چاپ ۳.
- حاجی، محمدعلی (۱۳۸۱ ش)، آسیب‌شناسی تربیت دینی، دانش‌نامه امام علی علیه‌السلام، چاپ اول.
- حر عاملی، محمدحسن (۱۳۹۱ ق)، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، دارالاحیاء التراث، چاپ چهارم.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳ ش) لغت‌نامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران.
- رابینز (۱۳۸۷)، آسیب‌شناسی پایه (عمومی)، مترجم: دکتر مسلم بهادری، تهران: نشر ارجمند.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۲۶ ق)، مفردات الفاظ القرآن، ذوی القربی، پنجم.
- طباطبایی سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر نشر جامعه مدرسین، پنجم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، ناصر خسرو تهران.

طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق)، الأملی، دار الثقافة، قم، چاپ اول.
عاملی، حرّ، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، اول.

عمید، حسن (۱۳۹۰ ش)، فرهنگ عمید، نشر امیرکبیر، چاپ ۳۸.

فراهیدی، خلیل ابن احمد (۱۴۱۰ ق)، کتاب العین، هجرت، چاپ دوم.

فیومی، احمد بن محمد (۱۴۰۵ ق)، المصباح المنیر، دارالهجرة.

کاظمی، شبر، سید عبد الله حسینی (۱۴۰۴ ق)، الأصول الأصلية و القواعد الشرعية، مفید قم، اول.

گلایی، سیاوش (۱۳۶۸ ش)، فرایند توسعه و نظام آموزش در جامعه ایران، تهران، میترا.

مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مرکز الكتاب للترجمة و النشر، اول.

معین، محمد (۱۳۷۵ ش)، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ نهم.

نوری، محدث، میرزا حسین (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بیروت چاپ اول.

نوری، یحیی (۱۳۵۷ ش)، اسلام و عقاید و آراء بشری، تهران، مجمع مطالعات و تحقیقات اسلامی؛ چاپ هشتم.

hornby, A.S(۱۹۸۹), oxford advanced learner's dictionary, fourth edithion, London: oxford university pres